«ایران» رسانه ای با اهداف ملی

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

از نخستین کسی که آستین بالا زد تا روزنامه‌ای با عنوان «ایران» بر روی دکه روزنامه فروشی‌ها و در کنار سایر نشریات قرار گیرد تا جمع کارکنان این روزنامه در دوره‌های مختلف، کم وبیش یک هدف مشترک دنبال شده و آن کشف و معرفی مشکلات خرد و کلان کشور و ارائه راه حل‌های کارشناسی جهت از پیش پا برداشتن موانع توسعه کشور بوده است. اساساً شأن روزنامه‌نگاری چنین چیزی را اقتضا دارد و برآیند عملکرد «ایران» نیز بیانگر این مدعاست. این عملکرد به شیوه روایتگری صریح، کارشناسانه و به دور از تعلقات گروهی و محدود کننده صورت گرفته و قرب و بعد دولت‌ها در آن دخالت نداشته است.

از این‌رو بی‌انصافی ست اگر جایگاه «ایران» به ارگان دولت‌ها تقلیل یابد و به فاصله گرفتن از آنچه که نفع کشور و مردم در آن بوده متهم شود.

رؤیای «ایرانیان» همواره معطوف به این بوده تا فراتر از اختلافات سیاسی و جناحی به توسعه کشور و سعادتمندی مردم بیندیشند و جامعه را از آسیب‌های جناحی مصون دارند.

نسل اول کارکنان «ایران» تلاشی را بنیان نهاد تا فاصله دولت – ملت کم شده و نخبگان در خط حائل این دو قرار گیرند تا ضمن اینکه قدر می‌بینند در تعامل با نهادهای رسمی در حل مسائل و مشکلات کشور با ارائه ایده‌های کارساز خلاقیت‌های خود را بروز دهند. براین اساس دومین رسانه نوگرای کشور با رویکرد آشتی ملی و تألیف قلوب به میدان آمد و زمینه ساز همکاری‌های ملی بسیاری شد. به گونه‌ای که در دوره‌ای که کشور به وجود کارشناسان و نظرات کارشناسی محتاج بود، نهادهای ملی را از چنین مزیت‌هایی برخوردار ساخته و درگیر توسعه همه جانبه کرد.

از جمله خدمات این رسانه نوگرا طرح دیدگاه‌ها و تجربیات سایر ملت‌ها از جایگاه باورپذیری و در جهت افزودن به ظرفیت‌های ملی و وسعت بخشیدن به کیفیت زندگی است. موضوعی که با تولد روزنامه‌نگاری مدرن در کشورمان آغاز شد و «ایران» نیز آن را پی گرفت. «ایران» با شیوه روایتگری محورهایی همچون؛ زایندگی فکری، آینده‌گرایی ضمن ارائه راهکارهای بکر و تازه و اطلاع‌رسانی بموقع و دقیق را پی گرفته و به تحقق عدالت اجتماعی یاری رساند و چه بسیار فرزانگان را در این مسیر به میدان آورد.

«ایران» ساحت معنوی جامعه را نیز مغفول نگذاشته وبه اقتضای شرایط و به نحوی مطلوب به این مهم اهمیت داده است. پرواضح است که جامعه ایرانی محاط در آداب و رسوم، آیین‌ها و باورها و شعائری است که بخشی از هویت ملی ساکنان این سرزمین را شکل می‌دهند و مرتبه‌ای از حیات جمعی اهالی این جغرافیای پهناور محسوب می‌شوند.

«اهالی ایران» با این منطق که پرداختن به این وجه از شخصیت جامعه از جمله رسالت‌های روزنامه نگاری محسوب می شود، با فاصله معناداری از سایر رسانه‌ها به این مهم اهتمام ورزیده و در عین تبیین جوهره و فلسفه آیین‌های ملی و مذهبی نقش انتقال نسل به نسل سنن و آیین را به‌طور مطلوبی به جا آورده است.

خداحافظ «ایران»!

فرناز حسنعلی زاده
روزنامه‌نگار

«اریک برن» روانپزشک امریکایی و کانادایی که در ایران او را بیش از هر چیز به نظریه «بازی‌های روانی» می‌شناسندش، در مدل ابداعی خود یعنی «تحلیل رفتار متقابل»، یک کارکرد دفاعی ذهنی و رفتاری شناسایی کرد که بعداً او را بازدارنده «تعلق نداشته باش» نامید؛ ترجمه خودمانی این بازدارنده، فرمان «نزدیک نشو» است که در دوران کودکی از سوی والد یا والدین به صورت شفاهی یا رفتاری، به کودک دیکته می‌شود.

بمباران ذهن کودک با پیام‌های پیدا و پنهان مبنی بر اینکه او به طرز اغراق شده‌ای خوب یا بد است و به همین دلیل با بقیه فرق دارد، در نهایت کودک را قویاً به این باور دعوت می‌کند که با فاصله‌گیری از دیگران و کشیدن یک دیوار قطور شیشه‌ای به دور خود، به هیچ گروه، زمان یا مکانی تعلق نداشته باشد.

البته قطعاً یک فرد، شهروند یک کشور است؛ در یک مقطع تحصیلی با صدها هزار نفر هم‌رده است؛ به یک صنف یا شغل تعلق دارد؛ به یک دین یا آیین معتقد است؛ نسب‌اش به قوم و قبیله‌ای می‌رسد؛ به یک تیم یا فعالیت ورزشی یا رسته هنری گرایش دارد و ویژگی ظاهری و جسمی‌ای دارد که میلیون‌ها نفر دارند، اما در عین حال می‌تواند خود را فرع بر تمام اینها بداند و هیچ گاه به لحاظ عاطفی، بین خود و آنها علقه‌ای احساس نکند.

یکی از عایدی‌های این وضعیت، «بی تفاوتی» و به عبارت دقیق‌تر «بی حسی»، نسبت به موارد یادشده است؛ به عبارتی چون موارد یادشده را به خود متعلق نمی داند، در برابر هر تحولی که آنها را دستخوش تغییر کند، خود را ایمن می‌کند.

تشخیص اینکه این بازدارنده، چه سهمی در گفتار، رفتار یا احساسم داشته، در حوزه صلاحیت من نیست، اما دروغ چرا؛ خیلی وقت‌ها، خیلی جاها موقع معرفی خودم آگاهانه یا ناآگاهانه از معرفی خود به نام «روزنامه‌نگار» امتناع کردم و جز در موارد اضطرار، ضمن ترسیم یک خط قطور با دیگران، گفتم که می‌نویسم. بویژه اینکه روزنامه‌نگاری برای من، بیش از آنکه انتخابم باشد، سرنوشتی محصول اتفاق‌هایی خارج از اراده شخصی‌ام بود. دروغ چرا؛ هنوز فکر می‌کنم می‌توانم شغل دیگری انتخاب کنم و در این چند سال چه دست و پاهایی زدم برای خلاصی از آن.

کارم را مهر ۹۲ در «ایران» شروع کردم. دروغ چرا؛ تا ماه‌ها و شاید یکی دو سال اول به کسی نمی‌گفتم کجا مشغولم. در حوزه‌های خبری پشت ورق‌های نت برداری که سربرگ «ایران» داشت، می‌نوشتم. حتی‌الامکان اسمم را پای مطالب نمی‌زدم و شاید اگر سوء تفاهم نمی‌شد، هرگز نامم را نمی‌نوشتم.

حالا شاید امسال، آخرین سالی باشد که در این روزنامه می‌نویسم و به نظرم، هیچ لحظه‌ای بهتر از لحظه خداحافظی برای قضاوت کردن نیست؛ چه درباره‌اش صحبت کنیم یا نه، «روزنامه» برای کسانی که در رسانه‌های اصلاح‌طلب قلم می‌زنند یا روزنامه‌هایی که به یک نهاد یا ارگان وابسته است، هیچ وقت «خانه» نیست و دیر یا زود باید هر آنچه در آنجا داشتی و هر آنچه در آنجا کاشتی را رها کنی و کیف دستی‌ات را برداری و بروی.

در این هفت سال، هر روز قبل از ورود به تحریریه می‌گفتم آدم‌های اینجا «خانواده» تو نیستند و شب‌ها موقع بیرون آمدن از تحریریه با خودم می‌گفتم که شاید فردا، اینجا «خانه» تو نباشد. برای خودم تمرین عدم دلبستگی می‌کردم؛ اما دروغ چرا؛ نمی‌شود.

حالا نزدیک خداحافظی است؛ این جمع، دیر یا زود به جبر حوادث از هم جدا می‌شوند؛ هر کس به راه خودش می‌رود و شاید هرکس به هر بچه‌ای که سر راهش دید، می‌گوید به هیچ جایی تعلق نداشته باش؛ چون موقع خداحافظی، بخشی از خودت را برای همیشه در آنجا جا می‌گذاری.

از گذشته بیاموزیم و به آینده بنگریم

احمد تهوری
ویراستار

روزنامه‌نگاری همواره میل به پیشرفت دارد و از جمله خاصیت‌های روزنامه‌نگاری این است که در عصر ظهور رسانه‌های دیجیتال و اینترنت این قابلیت را دارد که همواره حرف جدیدی برای گفتن داشته باشد و نیز می‌تواند با رسانه‌های دیجیتال و الکترونیک رقابت کند. شاید این ذهنیت به وجود آمده باشد که روزنامه‌های کاغذی به پایان راه خود رسیده‌اند. هرچند این نظریه تا حدود زیادی پذیرفتنی است اما می‌توان چنین نتیجه گرفت شاید عصر رسانه‌های کاغذی رو به پایان باشد اما روزنامه‌نگاری نوین و مدرن هیچگاه به پایان خط نخواهد رسید و ظهور روزنامه‌های الکترونیک و دیجیتال قطعاً به معنای توقف کامل روزنامه‌های کاغذی نخواهد بود. معنا و مفهوم روزنامه‌نگاری دیجیتال و نوین، برآورد اخبار و مقالات و نوشته‌هایی است که مخاطب در عصر جدید به آن نیاز مبرم دارد. این چند سطر را به این خاطر نوشتم که با یادآوری سالروز تولد روزنامه‌ای به نام «ایران» و انتشار آن در اول بهمن ۱۳۷۳ یاد، نام و خاطره چند نسل از روزنامه‌نگاران صاحب‌قلم و خوش‌ذوق و سرحال و قبراق را زنده نگه‌دارم و احترام خود و همکارانم را نثار آنها کنم.

در اوایل دهه هفتاد و با تولد اولین روزنامه رنگی کشور توسط شهرداری تهران، رسم نیکویی پایه‌گذاری شد که می‌توان هم روزنامه منتشر کرد و هم مخاطب را به دنبال خود کشاند. می‌توان حرف جدیدی در روزنامه‌ها زد و مهم‌تر از هر چیز می‌توان مشتری‌مداری کرد. با ظهور همشهری در عرصه مطبوعات آن زمان و با توجه به اینکه دولت‌ها علاقه‌مند بودند روزنامه معتبر و وزینی اخبار و مواضع آنها را منعکس کند، طرح اولیه تأسیس روزنامه‌ای زده شد که بعدها نام مقدس ایران را به خود گرفت. با فراخوان روزنامه‌نگارانی از چند نسل، این روزنامه توانست پس از فراز و نشیبی یک‌ساله در اول بهمن ماه با شعاری ماندگار به میان مردم بیاید و راهی کیوسک روزنامه‌فروشی‌ها شود.

«به میان شما آمدیم» با این تصور انتخاب شد که به مخاطب بگوید ما آمده‌ایم که در میان شما و از شما بگوییم، چرا که حرف‌ها برای گفتن داریم. هرچند روزنامه ایران برای شنیدن حرف‌های مردم و انعکاس آن در این روزنامه همواره پیشتاز و پیشگام بوده و هست. در این سال‌ها اتفاقات بسیاری رخ داده که گفتن و نوشتن از هر کدام شنیدنی و خواندنی است اما چیزی که بهتر است در این مجال اندک به آن بپردازم این است که روزنامه‌ها پویا هستند و اگر دچار روزمرگی و تکرار نشوند، باقی خواهند ماند ولو اینکه شکل کاغذی آنها دیر یا زود به خط پایان برسد. این تصور باید زنده بماند که روزنامه‌نگاری مدرن شکل نوینی از فعالیت در عرصه رسانه است و تاریخ مصرف ندارد. همان‌طور که باید پذیرفت با پیشرفت روزافزون در عرصه‌های گوناگون این تحول و دگردیسی دیر یا زود به عرصه مطبوعات خواهد رسید و رسانه‌ای موفق عمل خواهد کرد که جلوتر از زمان خود گام بردارد، چیزی که به وضوح، قابلیت‌های آن در روزنامه ایران دیده می‌شود و مهم‌تر از هر چیزی، این است که از گذشته‌های خود بیاموزیم و به استقبال آینده پرشوری برویم که صدای پای آن به گوش می‌رسد.

ما که اطفال این دبستانیم

محمد مطلق
دبیر گروه گزارش

سیزده سال پیش اگر می‌گفتند چیزی برای سالگرد انتشار ایران بنویس، به ساعتی صفحه‌ای سیاه می‌کردم اما حالا که پانزده سال از ورودم به این جریده می‌گذرد هر کلمه را که برای شروع برمی‌دارم مثل ماهی از دستم لیز می‌خورد. می‌نویسم و پاک می‌کنم، می‌نویسم و پاک می‌کنم. راستش را بخواهید هیچ وصفی لایق این نام بلند نیست، لااقل برای من که در دامن این معشوق زیبا و رشک برانگیز بالیده‌ام. روزی که به ایران آمدم صدها نوشته داشتم از گزارش و نقد و مقاله و گفت و گو اما اینجا فهمیدم که چقدر دستم خالی است، دستم از ایران خالی است؛ نه حدود و ثغورش را می‌شناختم نه تاریخش را نه مردان و زنان بزرگش را نه ثروتش را و نه فقرش را. باید گیوه ورمی‌کشیدم و جغرافیای تن محبوب را عاشقانه می‌کاویدم و فقر و درد و رنجش را می‌دیدم و زیبایی و شوخ و شنگی‌اش را لمس می‌کردم. باید می‌نشستم و سخت می‌خواندم، باید می‌دویدم و سراسیمه می‌دیدم و امروز که پشت سرم را نگاه می‌کنم می‌بینم چیزی درخور ایرانم ننوشته‌ام. من و ما هنوز اطفال این دبستانیم: "ما که اطفال این دبستانیم/ همه از خاک پاک ایرانیم" چه روزها که در ایران ندیدیم؛ سیل شد، زلزله آمد، خشکسالی دشت‌ها را بیابان کرد، پلاسکو فروریخت، هوایی برای نفس کشیدن نماند، دلار افسار گسیخت، تحریم شدیم، داعش حمله کرد، برجام امضا شد، جشن پیروزی گرفتیم، پای کوبی کردیم، کرونا در آسمان شهر خیمه زد، کاروان‌های همدلی راه افتاد، جاده‌ها مسدود شد، در ترافیک ماندیم، دست مرگ همکاری را گلچین کرد، زود آمدیم دیر رفتیم، گاهی جیب‌مان پر بود گاه خالی. همه این‌ها گذشت و ایران ماند. چه مردان و زنان بزرگی که قلم روی میز گذاشتند و رفتند و ایران ماند، ماهم می‌رویم و ایران می‌ماند. ایران ما کهکشانی زیباست از اقوام که زیر ستون الف قامتش آرام گرفته‌ایم؛ در همین یک وجب جا که میز من باشد، کرد و آذری و گیلک و مازنی جمعیم، این طرف لر و خراسانی، آن طرف عرب، زاهدانی. در اتاق دستیاران سردبیر ارمنی و آذربایجانی کنار هم می‌نشینند. لیوان چایی‌ات را اگر از آبدارخانه پایین پر کنی در میانه راه عربی می‌شنوی، اگر از آبدارخانه بالا، انگلیسی. کدام دموکراسی چنین هدیه‌ای در آستین دارد؟ چطور می‌شود عاشق این زاد بوم نشد؟ چطور می‌شود عاشقانه برای چنین جریده‌ای ننوشت؟ "همه باهم برادر وطنیم/ مهربان همچو جسم با جانیم/ اشرف و انجب تمام ملل/ یادگار قدیم دورانیم/ وطن ما بجای مادر ماست/ ما گروه وطن پرستانیم"

تبریک به متولد دوران سازندگی

حجت حکیمی
دبیر فنی

۲۶ سال از بهترین اوقاتمان را در روزنامه ایران سپری کرده‌ایم. درست از ابتدای انتشار روزنامه. در این سال‌ها فراز و نشیب زیاد دیدیم، اما این رسانه کاغذی متولد شده دوران سازندگی، به دور از هیاهو و شتاب موجود در زندگی و جامعه به مسیر خود ادامه می‌دهد. همین حیات روزنامه است که به ما جان و انرژی برای ادامه این مسیر را می‌دهد. در واقع همه ما از ادامه انتشار این روزنامه جان می‌گیریم از تولید محتوای خبری تا انجام امور فنی، روند آماده‌سازی محتوای خبری و گرافیکی برای انتشار کاغذی و هم‌اکنون محصولات مجازی و دیجیتال، طبیعت روزنامه‌نگاری هم همین است. و اما در این سال‌های اخیر مشکلات و بخصوص در سالی که گذشت «کرونا» این معضل جهانی هم نتوانست ذره‌ای از اقتدار و قدرت «ایران» کم کند چه بسا این رسانه توانست در عرصه محصولات رسانه‌ای دیجیتال و مجازی هم پربارتر، قوی‌تر و متنوع‌تر ظاهر شود.

امروز خانواده «ایران» با تلفیق تجربه، علم و همچنین مدیریت نوین روزنامه‌نگاری توانسته با محصولات متنوع مجازی و دیجیتال نه تنها همه سلایق جامعه بزرگ کشورمان بلکه در سطح جهانی مخاطبین خود را راضی نگه دارد و این بهترین هدیه و پاداش برای من و همه خانواده «ایران» در بیست و هفتمین سال انتشار روزنامه ایران است که خستگی این سال‌ها را از ما دور می‌کند. امیدواریم مؤسسه ایران باز هم در این سال جدید بتواند بیشتر در میان مخاطبین جا باز کرده و سبک‌های نوین امروزی، که هم‌اکنون به کار گرفته را همچنان بهبود بخشیده و به روز در این عرصه پیش برود.

کرونا «ایران» را قویتر کرد

محمدرضا عزیزی
دبیر گروه ایران‌زمین

تحریریه «ایران» حدود یکسال است که به اجبار و تحمیل کرونا، شیوه‌ای متفاوت از کار را تجربه می‌کند؛ اولین تفاوت خود تحریریه است که از فضایی پرهمهمه و شلوغ به سالن بزرگی پر از صندلی‌های خالی تبدیل شده است. در هر گروه یک خبرنگار و دبیر نشسته‌اند و در سکوت چشم به مانیتور و صفحه گوشی خود دارند. در اوج محدودیت‌ها و اضطراب شیوع کرونا، روزنامه ایران پیشگام‌تر از سایر رسانه‌ها حضور فیزیکی در محل کار را ممنوع کرد و به مدت چند ماه دورکاری کامل در تحریریه را اعمال کرد. در آن روزها تصویری از مدیرمسئول روزنامه ایران که در تحریریه خالی نشسته بود، در گروه‌های مجازی کاری روزنامه به اشتراک گذاشته شد که به‌نظرم کرونایی‌ترین تصویر تحریریه یک روزنامه بود. پیام آقای شفیعی به کارکنان دورکار روزنامه در حالی که نگاهش به دوربین بود، ساده، صمیمی، امیدوارانه و البته غم انگیز بود؛ «تحریریه دلتنگ شماست!» کرونا دراین حدود یکسال با ما چنین کرده است؛ دور از همه دورهمی‌ها با حسی توأم با دلتنگی، انتظار و نگرانی. اما اینکه دراین وضعیت غیرعادی روزنامه ایران بدون هیچ تأخیر، منظم منتشر شده و با حضور گسترده‌تر در فضای مجازی و تنوع بیشتر به تولیدات رسانه‌ای در این بستر، خود را با شرایط کرونا تطبیق داده، هنری است برآمده از دانش و تلاش مدیران و کارکنان آن؛ اینکه در شرایط دشوار اقتصادی متأثر از کرونا که همه مشاغل آسیب دیدند، مدیریت روزنامه نگذاشت معیشت کارکنان آسیب ببیند کاری است بزرگ. در سالگرد تأسیس روزنامه ایران بهترین میراث‌داری و امانتداری مدیران نسبت به این روزنامه این است که در اوج چنین بحرانی تا جایی که توانسته‌اند نگذاشته‌اند کارکنان روزنامه به لحاظ معیشتی آسیب ببیند و دغدغه‌های اقتصادی حاصل از تأخیر حقوق یا از دست دادن شغل به کارکنان وارد شود. از سوی دیگر اینکه روزنامه نگاران و خبرنگاران و سایر کارکنان روزنامه در شرایط دورکاری، پرانرژی و مسئولانه در تولید محتوا و انجام وظیفه فعال بوده‌اند، نشان از سرمایه اجتماعی و ارزش‌های سازمانی والایی دارد که در طول این سال‌ها اندوخته شده و خروجی آن این است که روزنامه برای کارکنان یک ساختمان نیست که صبح ها با زدن کارت ورود در آن شروع به کار می‌کنند و عصرها با کارت خروج از آن خدا حافظی می‌کنند. روزنامه با شخصیت و خلقیات آنها آمیخته شده است به‌طوری که در خانه خود هم پذیرای آن هستند. دشواری و سختی همه را قویتر می‌کند. گذر «ایران» از این سال سخت و دشوارهم این روزنامه را برای مواجهه با چالش‌ها و مشکلات آینده قویتر کرده است.

آرشیو جراید و مخاطبین

حسن مجیدی
رئیس آرشیو جراید و مرکز اسناد

آرشیو جراید و مرکز اسناد روزنامه ایران، ۶ ماه قبل از انتشار روزنامه در تاریخ اول مرداد ۱۳۷۳ با هدف پشتیبانی اطلاعاتی تحریریه آغاز به‌کار کرد. این واحد در سال ۱۳۸۳ و هم‌زمان با الکترونیکی شدن پروسه تهیه و انتشار مطبوعات کشور، از آرشیو سنتی به آرشیو الکترونیکی تغییر ماهیت داد. اینک پس از ۲۶ سال از عمر این واحد، آرشیو روزنامه‌ایران تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین مراکز تهیه، اسکن، نمایه سازی و حفظ و نگهداری مطبوعات کشور از سال ۱۳۰۰ تا به امروز شده است. آرشیو جراید روزنامه ایران با در اختیار داشتن نزدیک به ۳ هزار نشریه قدیم و جدید به صورت فیزیکی و الکترونیکی، آرشیو روزانه اخبار و مقالات روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور، جمع‌آوری PDF نشریات در حال انتشار، مرکزی برای مراجعه پژوهشگران، روزنامه‌نگاران، دانشجویان و... شده است. در آستانه ورود به بیست وهفتمین سال انتشار روزنامه ایران، آرشیو جراید روزنامه ایران مانند سایر مراکز اطلاعاتی دیگر، برنامه جدیدی جهت ارائه اطلاعات به مخاطبین خود در فضای مجازی دارد.